

Event Horizon Kimia Kamvari - Dastan's Basement - 2019

The fact of being unable to capture something puts a horizon of new perspectives into circulation. The emptying of space has been a motive for exploration by sculptors and the character of the sacred has always generated the idea of an inaccessible place. Absence – negativity – provides evidence of the diachronic age of life and acceptance of death placates the attainment of waves of an eternal return. To the rhythms of repetition and difference, we sink into a mandala that connects the terrestrial with the celestial.

From the moment when the existence of a black hole was first envisaged and named, the desire to represent it has generated innumerable images. In painting, drawing, literature, esotericism, astronomy, science fiction...and recently in photography, attempts have been made to translate this elusive phenomenon into a single image. It is curious that the certainty of the existence of something that we cannot confirm physically has generated such a recurrent visual language, connecting far too well with the determination of art.

Sinkholes are geological accidents, caused by the emptying of subterranean aquifers, which then give way to Earth's gravity and collapse, generating cavities of diverse depths. While sinkholes can result from natural causes, in most cases they result from human activity (altering the course of rivers, intensive exploitation of aquatic resources, mining activity and the abandonment of mining installations, etc.). Over the last 20 years the number of sinkholes on the Persian Plateau has increased considerably.

By focusing on these events, this exhibition not only draws attention to an environmental problem – the process of a territory's desertification – but also addresses human intervention as an activity that shapes, modulates and transforms the landscape, asking us to transform our perception of the latter. It is worth adding that the decision to photograph these cavities using a pinhole camera adds complexity to – as well as synthesizes – the very act of looking at sinkholes: the photographic accident is coupled to the geological accident.

Fieldwork – an essential activity in the practice of geology and ethnography – is another important aspect of this proposal. When the process of conceiving a work is moved outside the studio, the artistic discipline recovers its link with the world and is once again able to assemble all forms of knowledge around itself.

In *The Zahir*, J. L. Borges describes a being that contains all beings in itself. According to this tale there is no fact, no matter how modest, that does not involve universal history and its concatenation of causes and effects. Similarly, *The Aleph* describes a point in space that contains all points and fuses all possible perspectives into a single gaze.

The world that each sinkhole opens up to us is mysterious and provides an opportunity for an encounter between science and fiction. The earth falls to earth and an empty space is filled with abstraction. The bird's eye angle and high angle shots used in the photographs seem to invite us to direct our gaze towards another basic sphere: the surface, the ground.

ناتوانی در ثبت هر چیزی، افقی نو از دیدگاه‌های تازه به گردش درمی‌آورد. خالی‌کردن فضا، همواره انگیزه‌ای برای کشف و شهود مجسمه‌سازان بوده، و ماهیت امر مقدس، اندیشه‌ی مکان‌نایافتنی را پدید آورده است. غیاب — منفی بودن — گواهی است بر قدمت در-زمانی زندگی؛ و پذیرش مرگ، دستیابی به امواج بازگشتی جاودانه را تلطیف می‌کند. ما به ضرباهنگ تکرار و تفاوت، در ماندالایی فرومی‌رویم که امور زمینی را با امور آسمانی ارتباط می‌دهد.

از آن زمان که وجود یک سیاه‌چاله به شکل نظری پیش‌بینی و تبیین شد، اشتیاق بازنمایی آن منجر به خلق تصاویری بی‌شمار شده است. تلاش‌های زیادی در حوزه‌های نقاشی، طراحی، ادبیات، رمزشناسی، اخترشناسی، علمی-تخیلی... و اخیراً درعکاسی، برای ترجمه‌ی این پدیده‌ی گریزان به یک تصویر واحد انجام گرفته است. جالب اینجاست که قطعیت وجود چیزی که نمی‌توان موجودیتش را به شکل فیزیکی تصدیق کرد، آنچنان زبان بصری بوجود آورده است که به طرز چشمگیری با مسیر هنر همراستا است.

فروچاله‌ها، تصادف‌های زمین‌شناختی‌ای هستند که در اثر خالی‌شدن آبگیرهای زیرزمینی به وجود می‌آیند. تخلیه‌ی این آبگیرها که خاک بر آنها سوار است راه را برای تأثیر قوه‌ی گرانش زمین و ریزش سطح آن بازمی‌کند. نتیجه‌ی این اتفاق، حفره‌هایی با عمق‌هایی متفاوت است. با این‌که ممکن است پیدایش فروچاله‌ها واقعه‌ی طبیعی باشد، معمولاً پیامد فعالیت‌های انسانی هستند؛ فعالیت‌هایی همچون تغییر مسیر رودخانه‌ها، استفاده‌ی بیش از اندازه از منابع آب زیرزمینی، استخراج معدنها و رهاکردن تجهیزات آنها و مواردی از این دست. در طول بیست سال گذشته، تعداد فروچاله‌ها در فلات ایران افزایش چشمگیری داشته است.

نمایشگاه کنونی، با تمرکز بر این وقایع، از سویی توجه را بر این مشکل زیست‌محیطی، یعنی فرآیند بیابان‌زایی در یک سرزمین معطوف می‌کند؛ از سوی دیگر، با اشاره به مداخله انسان همچون فعالیت‌هایی که محیط را تغییر می‌دهد، تبدیل می‌کند و به آن شکلی تازه می‌بخشد، ما را نیز ترغیب به تغییر ادراکمان از این پدیده می‌کند. گفتنی است که تصمیم عکاسی از این حفره‌ها با استفاده از دوربین پین‌هول، روند نگاه کردن به فروچاله را درعین پیچیدگی، تلخیص می‌کند: رویداد عکاسانه با حادثه‌ی زمین‌شناختی تلفیق می‌شود.

کار میدانی — که فعالیت‌ی اساسی در زمین‌شناسی و انسان‌شناسی — وجه مهم دیگری از این نمایشگاه است. هرگاه که فرآیند شکل‌گیری اثر هنری به خارج از استودیو منتقل می‌شود، فعالیت هنری ارتباط خود را با جهان واقعی تشدید می‌کند، تا جایی که می‌تواند انواع شناخت‌ها و دانش‌ها را پیرامون خود گرد آورد.

بورخس در داستان «زهیر» موجودی را توصیف می‌کند که همه‌ی موجودات دیگر را در خود فراگرفته است. بر اساس این قصه، هیچ حقیقتی، حتی کوچک‌ترین حقیقت‌ها، بدون این‌که تاریخ جهان و تمامی جوهر علت و معلولی آن را درگیر کند، موجودیت ندارد. هم‌چنین در داستان «الف»، نقطه‌ای در فضا تعریف می‌شود که تمام نقاط را در خود دارد و تمام زوایای دید را در یک نگاه جمع می‌کند.

دنیایی که هر فروچاله بر ما می‌گشاید، دنیایی رازآلود است که فرصتی برای رویارویی علم و تخیل را فراهم می‌سازد. زمینی که به زمین افتد و فضای خالی که با اتزاع پر میشود. نمای چشم‌پرنده و زوایای فوقانی‌ای که در عکس‌ها مورد استفاده قرار گرفته‌اند، ما را ترغیب می‌کند به بازگرداندن نگاهمان به سپهر بنیادی دیگر: بستر، زمین.